

نقش فرهنگی جوانان در جامعه تونس: چالش‌ها و فرصت‌ها

میثم فراهانی^۱

مقدمه

جوانان در هر جامعه‌ای از اهمیت بالایی برخوردارند و ما هیچگاه تعریف یکپارچه‌ای برای جوانان پیدا نمی‌کنیم، چرا که این گروه سنی، در هر کشوری، بر اساس شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آن، تعریفی مشخص دارد، چه از نظر تعریف عمر و چه از نظر تعریف علم جامعه‌شناسی. بسیاری از کشورها، معیارهایی را برای تعریف جوانان تدوین می‌کنند که مبنای آن به موجب قانون، مساوات با افراد بالغ است که معمولاً از آن با عنوان سن بلوغ یاد می‌شود که معمولاً در بسیاری از کشورها، از جمله تونس، ۱۸ سالگی است و تا زمانی که فرد به این سن نرسد، بالغ دانسته نمی‌شود. با این حال، کلمه "جوانان" در کشورهای مختلف، تفاوت‌های دقیقی با یکدیگر دارد که دلیل آن، همخوانی برخی عوامل اجتماعی، فرهنگی، تشکیلاتی، اقتصادی و سیاسی در هر جامعه است.^۲ ساختن آینده بر این گروه سنی جوان متکی است و تربیت نسل‌های نوجوان نیز با توجه به همین گروه سنی انجام می‌شود. همچنین، هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند بدون تکیه رهبران بر نسل جوان در حوزه‌های مختلف، به حیات خود ادامه دهد. این گروه سنی، ثروت یک ملت در ایجاد تغییر مطلوب به شمار می‌آید و این ثروت مهم، یا به درستی مورد سرمایه‌گذاری قرار می‌گیرد که در این صورت، توسعه و سازندگی را به دنبال خواهد داشت و یا اینکه انرژی آن به واسطه سوء سرمایه‌گذاری یا سرگشتگی و فساد، به هدر می‌رود و این امر، بر اهمیت جوانان در گذشته و حال تأکید دارد. امتیاز مرحله جوانی، قدرت عمل و بخشندگی و تحقق اهداف و تلاش برای پیشرفت و همگامی با شرایط روز است، ضمن اینکه جوانان در این گروه سنی، به شدت تمایل دارند تا از عادت‌ها، سنت‌ها و ارزش‌هایی که اجداد خود را بر آن یافتند، دوری بجویند و این امر، مستلزم راهنمایی و یاری همه گروه‌های جامعه و تمامی طرف‌های ذی‌ربط برای پیشبرد امور کشور و حفظ جوانان از انحراف هویتی بر مبنای این میراث فرهنگی و ارزشی جامعه عربی و اسلامی است.

از جمله برجسته‌ترین شاخص‌های اثرگذاری که هر نسلی با آن همراه می‌شود، میراث فرهنگی‌ای است که نسل‌ها یکی پس از دیگری از آن تأثیر می‌پذیرند. بنابراین یا این میراث مورد قبول نسل‌ها قرار می‌گیرد و از آن محافظت می‌شود و بر مبنای مستلزمات عصر کنونی توسعه داده می‌شود یا اینکه با آن مخالفت می‌شود و به بهانه تجدد و دوره مدرن از آن جدایی صورت می‌گیرد، امری که در بیشتر موارد به برخورد بین نسل جوان کنونی و نسل‌های پیش از او منجر می‌شود. این اشکالات به ویژه در جوامع عربی و اسلامی‌مان بیشتر دیده می‌شود. البته فرهنگ در جامعه تونس ما از این تناقض کشمکش میان نسل‌ها در روش دریافت میراث فرهنگی و رشد بر پایه آن، در رنج است. در همین رابطه، ابن خلدون فرهنگ را "همه اقدامات انسان اعم از کوشش و فکر و فعالیت برای جبران نقص در طبیعت اولیه و نیازهایش برای برخورداری از زندگی متنعم و سرشار از ابزارها و امکانات" تعریف می‌کند. به واسطه این تعریف، در می‌یابیم که فرهنگ،

۱. رایزن فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران در تونس

۲. پایگاه رسمی سازمان ملل متحد.

ابزاری برای زندگی و روشی برای انسجام با حیات است. هر امتی، فرهنگی دارد که بدان می‌بالد و تلاش می‌کند تا آن را حفظ کند و بر اساس اقتضات تحولات پرشتاب جهان و تنوع فرهنگی و تمدنی، آن را توسعه بخشد. سازمان یونسکو نیز فرهنگ را در معنای گسترده‌اش، به شکل زیر تعریف می‌کند: "همه ویژگی‌های معنوی، مادی، فکری و عاطفی که خود جامعه ما یا یک طبقه از آن را برجسته می‌سازد که شامل هنرها، ادبیات و راه‌های زندگی است، ضمن اینکه حقوق اساسی انسان و منظومه ارزش‌ها، سنت‌ها و اعتقادات را نیز شامل می‌شود"^۳. اما هنری لائوست (Henri Laoust)، شرق شناس فرانسوی می‌گوید که فرهنگ، مجموعه‌ای از افکار و عادات‌های موروثی است که در آن، یک اصل اخلاقی برای یک ملت ایجاد می‌شود و صاحبان آن به صحت آن معتقد می‌گردند و یک منطق مخصوص از آن افکار و عادات‌ها ایجاد می‌گردد که آن ملت را از دیگران جدا می‌سازد^۴.

این فرهنگ جامعه است که راه و روش زندگی در آن را مشخص می‌کند و این فرهنگ، با این کارآیی خود، همزمان دارای خاصیت مادی و معنوی است. عناصر مادی، همان عناصری هستند که در نتیجه تلاش عقلی و فکری انسانی به وجود آمده است و در عین حال، فرهنگ نمی‌تواند کارکرد و معنای خود را به درستی باز یابد، مگر با استفاده از معانی، افکار، رویکردها، دانسته‌ها و عادات‌هایی که گرداگرد آن را فرا گرفته است و این، علاوه بر عناصر مادی است که به نوبه خود در مفاهیم پذیرفته شده توسط افراد، ارزش‌های آنها، رویکردها و روابط آنها تأثیر می‌گذارد. به عبارت دیگر، در درون یک ساختمان فرهنگی، داد و ستد بین عناصر مادی و غیرمادی، متقابل است و دیگر اینکه ساختمان فرهنگی، همزمان و در آن واحد، هر دو عنصر را در بر می‌گیرد^۵.

اگر ما این تعریف را به موضوع نقش فرهنگی جوانان در جامعه تونس گره بزنیم، خواهیم دید که جوانان عربی و اسلامی، به ویژه جوانان تونس، از این تعریف جدا نیستند، چرا که با ورود به این مسئله چند شاخه، می‌بینیم که جوانان تونس با چالش‌های متعددی مواجهند اما در مقابل، فرصت‌هایی که برای اجرای نقش فرهنگی‌شان در جامعه در حوزه‌های مختلف در اختیار دارند، اندک است. این امر، به ایجاد اشکال در نقش فرهنگی جوانان در جامعه تونس در چارچوب چالش‌ها و فرصت‌های موجود، دامن می‌زند. برای پاسخ به این سؤال، باید به دو محور پرداخت. در محور نخست، به مهمترین چالش‌ها می‌پردازیم و در محور دوم، فرصت‌هایی که در برابر جوانان وجود دارد تا بتوانند نقش فرهنگی خود را در جامعه اجرا کنند، مورد بررسی قرار می‌دهیم.

محور نخست: چالش‌های پیش روی جوانان تونس در هنگام اجرای نقش فرهنگی خود در جامعه

انجام هر نقشی در جامعه، مستلزم برخورداری از قدرت عبور از چالش‌ها و ایجاد کردن ابزارهای مناسب برای تحقق اهداف مورد نظر از انجام آن نقش است. نقش فرهنگی انسان در درون جامعه خود، آینه‌ای برای همه جامعه است، به ویژه اگر تحرک و پویایی فرهنگی را با عنوان جوان گره بزنیم. جوان تونس نیز مانند دیگر جوان‌های عربی و اسلامی، با چالش‌های بسیاری مواجه است که او را از رسیدن به خواسته‌اش و بیان نگاه فرهنگی‌اش از طریق اعمال نقشش در جامعه به عنوان

۳. پایگاه رسمی سازمان یونسکو (اعلامیه مکزیک در سال ۱۹۸۲)

۴. فرهنگ و مفهوم، ویژگی‌ها و عناصر آن، طارق عبد الرؤف عامر، پایگاه چشم‌اندازهای علمی و تربیتی ۲۶ ژانویه ۲۰۱۱

یک گروه مهم و تأثیرگذار در حوزه رشد فرهنگی، باز می‌دارد. از جمله برجسته‌ترین چالش‌هایی که در برابر جوان تونس قرار دارد، چالش‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است که جدایی بین این چالش‌های مختلف دشوار است، زیرا نشان دهنده منظومه منسجمی است که نشان دهنده واقعیت کشور و جامعه است.

چالش‌های اجتماعی

چالش‌های اجتماعی در دو بعد بروز پیدا می‌کنند: بعد نخست، ایده پایبندی به ارزش‌های جامعه به عنوان بخشی از میراث فرهنگی تونس در برابر استقبال جوانان از فرهنگ غربی است و بعد دوم، میزان پذیرش میراث فرهنگی اسلامی تونس در فضای جدید جهانی شده‌اش توسط جوانان تونس است، امری که در چارچوب خود به چالش‌های تمدنی تعریف می‌شود. همه عادت‌ها، سنت‌ها، آداب و انواع مختلف هنرها و مانند آن که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود، به عنوان میراث فرهنگی تعریف می‌شود و همه هنرهای مردمی اعم از شعر، غنا، موسیقی، باورهای مردمی، داستان‌ها، حکایت‌ها و ضرب المثل‌هایی که در میان عوام شایع است را در بر می‌گیرد، ضمن اینکه سنت‌هایی مانند ازدواج، مناسبت‌های مختلف و آداب و رسومی که به صورت وراثتی از نسلی به نسل دیگر رسیده است مانند شکل اجرا، انواع رقص، بازی و مهارت را شامل می‌شود. میراث فرهنگی، بازتاب دهنده دستاوردهای تمدن‌های ملت‌هاست. هیچ تمدنی، جز به اندازه شواهدی که از رشد انسانی خود داشته باشد، اصیل و ریشه‌دار در تاریخ شناخته نمی‌شود و از آنجا که انسان تلاش می‌کند تا در مسیر تاریخی‌اش خود را بالا ببرد، بنابراین ارتقای او بر رفتارهای مختلفی که در زندگی مردم ریشه دارد، بازتاب پیدا می‌کند، ضمن اینکه این نوع از میراث، بخش اصلی از حافظه جمعی را تشکیل می‌دهد^۵ و این بدان معنی است که میراث فرهنگی، در بردارنده مجموعه‌ای از ارزش‌های جامعه است و این ارزش‌های وراثتی و ریشه‌دار در رفتار پدران و فرزندان، به منزله هسته اصلی ایجاد هویت ملی برای همه ملت‌ها از جمله ملت تونس به شمار می‌رود. منظومه اخلاقی و رفتاری برگرفته شده از میراث فرهنگی ما، حالتی از جدایی بین ارزش‌های امروز و اخلاقیات نسل‌های دیروز را در میان جوانان ما ایجاد کرده است و نسل امروز، آن منظومه‌های اخلاقی اجتماعی که با آن زیست می‌کند را به صورت آماده از برنامه‌های تلویزیون و فرهنگ اینترنت می‌گیرد. که میراث ملت‌ها در آن، یک چارچوب تاریخی را شکل می‌دهد که تمدن هر یک از ملت‌ها از آن نشأت می‌گیرد. این چارچوب، ظرفی است که ابعاد انسانی همه جوانب توسعه این ملت‌ها و رشد آنها را در خود جمع می‌کند. بر این اساس، میراث یک ملت، تلاش می‌کند تا با همه عناصری که در بر دارد، گذشته را به حال متصل گرداند. این میراث، رسانه‌ای است که باقیمانده از نسل‌های گذشته را به نسل‌های آینده گره می‌زند. شخصیت امت اسلامی و هویت آن، به واسطه این میراث که تاریخ آن را به ما می‌رساند منتقل می‌گردد و در ارتباط ارزش‌ها و روش‌های رفتار اجتماعی، عادت‌ها و سنت‌ها با مواضع مشخص و حوزه‌های معین متبلور می‌شود. به همین دلیل، این میراث، انگیزه‌ای برای ملت است که گذشته‌اش را احیا و اصالتش را حفظ کند. ارزش‌ها، عادت‌ها و سنت‌ها، بخشی از میراث فرهنگی ملی است که جامعه آن را در طول زمان و به واسطه تجارب و تخصص‌های متعدد زندگی‌اش تولید کرد، به طوری که افراد آن را بین خود مبادله و منتقل می‌کنند و ناخودآگاه آن را می‌آموزند، اما به اجرای آن در رفتارها و برنامه‌های روزانه‌شان با

دیگران پایبندند زیرا این ارزش‌ها، عادت‌ها و سنت‌ها، در واقع روش‌های فرهنگی خاصی است که باعث می‌شود هویت فرد به گروه گره بخورد و بدان وابسته گردد و در مقابل، باعث می‌شود که گروه بر فرد مسلط گردد، همانطور که به او کمک می‌کند تا شخصیتی متوازن بسازد تا با جامعه سازگار گردد و باعث شود که فرد، احساس وابستگی در داخل جماعت خود کند و حال را به گذشته متصل گرداند. تا زمانی که این فرهنگ، نتیجه عقل اجتماعی باشد، فرد را محدود می‌کند و او را تسلیم قدرت خود و قدرت میراث مردمی و عمومی قرار می‌دهد. مجموع ارزش‌ها و رفتارهای اجتماعی، بخشی از میراث فرهنگی را در جهانی متغیر تشکیل می‌دهد که طبیعت جامعه و جریان‌های اجتماعی و اقتصادی آن، بر او حکم می‌رانند و آن، جایی است که انسان به سمت تغییر در حرکت است و عناصر فنی را از جوامع دیگر می‌گیرد، امری که به همراه خود، برخی چالش‌های تمدنی را ایجاد می‌کند که به صورت احتمال انحراف جوانان جامعه به شیفتگی تمدن غربی و تلاش برای تقلید آن بروز می‌کند. جوانان از دسته‌ای به شمار می‌روند که به رها کردن گذشته و در پیش گرفتن رویکردهای جدید تمایل دارند، زیرا تفاوت‌های روانی و منطقی بسیاری بین جوانان و کهنسالان وجود دارد که در متمایز سازی میراث هر گروه نقش آفرینی می‌کند و دلیل این امر نیز به ارتباط کهنسالان با گذشته و خیز جوانان به سوی آینده و استقبال از تجدد باز می‌گردد^۶ و این امر بدان معنی است که جوانان تونس در برابر چالشی بزرگ قرار دارند که تمامی کشورهای عربی و اسلامی از آن در رنج هستند، پدیده‌ای که جهان شمولی فرهنگی نام دارد که "به معنی فرهنگی با مرزهای فرهنگی مشخص است که به واسطه انتشار اندیشه‌ها، اعتقادات، ارزش‌ها، باورها، سبک‌های زندگی و سلیقه‌های دارای رنگ غربی در سطح جهانی و از طریق گشایش بین فرهنگ‌های جهانی و توسط ابزارهای ارتباطی مدرن و انتقال آزاد اندیشه‌ها و اطلاعات شکل می‌گیرد. جهان شمولی به معنی تعمیم الگوی تمدن غربی، به ویژه آمریکایی و سبک‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن در همه جهان است که می‌توان بعد فرهنگی را مهمترین اثر از آثار آن دانست و دلیل آن را نیز به ظهور جریان‌های جهانی سازی‌ای مربوط دانست که می‌خواهد جهان را به روستایی کوچک تبدیل کند. امری که ارتباط و مبادله فرهنگ‌ها بین کشورها را به وجود آورد. این ارتباط همچنین هویت فرهنگی و همه آنچه از اخلاق و اصول تشکیل دهنده دین که زبان، پایه و اساس آن است را در معرض تهدید قرار داد. صاموئیل هانتینگتون، نویسنده آمریکایی و نظریه پرداز جهانی شدن آمریکایی در کتاب خود با نام "جنگ تمدن‌ها" اشاره کرد که جهان به سمت یک جنگ تمدنی به پیش می‌رود که ارزش‌های فرهنگی نمادین در آن، مرزهای فرهنگی میان تمدن‌ها را تشکیل می‌دهند^۷.

در جامعه تونس نیز مانند دیگر جوامع عربی و اسلامی، مجموعه‌ای از ارزش‌های اخلاقی میراثی یا همانکه با عنوان میراث مردمی نامیده می‌شود، حکم می‌راند. میراثی که خود به منزله چالشی است که جوانان تونس آن را مانعی بر سر راه بلند پروازی‌ها و نقش فرهنگی‌شان می‌دانند. ضمن اینکه اصرار اکثریت افراد نسل گذشته برای تثبیت این میراث و قرار دادن آن به عنوان معیار سنجش همه امور مربوط به فعالیت‌های فرهنگی مادی و معنوی، نوعی کشمکش بین نسل‌ها به وجود

۶. مفهوم میراث مردمی و اشکالات آن در جهان متغیر، د. اسعد فایزه زرهونی، دانشگاه مستغانم، الجزایر، انتشارات مخیر، گفتگوی تمدن‌ها و تنوع فرهنگی و فلسفه صلح، ۲۰۱۴

۷. بعد فرهنگی جهانی شدن و تأثیر آن بر هویت فرهنگی جوان عربی: مطالعه موردی جوان دانشجوی الجزایری، وارم العید، دانشگاه البشیر الإبراهیمی، برج بوعلیربیج، الجزایر، انتشارات مرکز جیل البحث العلمي

آورده است، هرچند که اقلیت لیبرال و فرانکوفونی تلاش می‌کنند تا این مانع را بشکنند و بر اصل گشایش و آزادی به عنوان اصول اساسی فرهنگ و نوآوری تکیه کنند. برای جوانان تونس، مرحله پس از انقلاب ۱۴ سپتامبر به منزله یک نقطه عطف بود که عرصه را بیشتر به روی آنها گشود تا بدون هیچ ناظر و بازخواست کننده‌ای، دست به انواع مختلفی از نوآوری‌های فرهنگی بزنند که البته لغزش‌های بسیاری را نیز به دنبال داشت. انتقال ناگهانی به این مرحله جدید از تاریخ جامعه تونس، باعث ایجاد تناقض، به ویژه در میان جوانانی شد که خود را بین چکش اسلام سیاسی و میراث فرهنگی آن و سندان آزادی‌ای دیدند که گاهی ناقص و گاهی خراب شده است.

اما بعد دوم چالش‌های اجتماعی، به میراث فرهنگی اسلامی و ارزش‌های اخلاقی و رفتاری برگرفته شده از دین اسلام در عصر جهانی شدن بر می‌گردد. بنابراین تلاش برای روشمند کردن رفتارهای بشری و فرهنگ آنها در تمامی جوامع، و قرار دادن آن در چارچوب ارزشی و روش‌های رفتاری جاری در فرهنگ‌های جهانی شده، امری است که امکان انفجار یک بحران هویتی فرهنگی را به وجود می‌آورد که به یکی از مسائل اصلی پیش روی جوامع اسلامی، از جمله تونس تبدیل شده است. «خطرناک‌ترین چالش‌ها، آن است که اجزای اصلی تشکیل دهنده هویت فرهنگی، یعنی اسلام، زبان عربی و ارزش‌های فرهنگی با آن مواجه هستند. احتمالاً، انقلاب ارتباطات نیز نقش محوری در ایجاد این تأثیر فرهنگی بازی می‌کند. ایدئولوژی جهانی شدن، به جای مرزهای فرهنگی ملی، مزهای نامرئی‌ای را مطرح می‌سازد که شبکه عنکبوتی اینترنت و شبکه‌های ماهواره‌ای با تحمیل سلطه خود بر سلیقه‌ها و اندیشه و رفتار، آن را ترسیم می‌کنند. جوان تونس نیز مانند دیگر جوانان جهان عربی و اسلامی، بسیار تحت تأثیر برنامه‌ها و محتواهایی که شبکه‌های ماهواره‌ای و پایگاه‌های اینترنتی و تلفن‌های همراه به خورد او می‌دهند، قرار گرفته است و همه رفتارها، عادت‌ها و سنت‌هایی که از طریق این رسانه‌ها مشاهده می‌کند، اعم از آنکه برایش مفید باشند یا مضر را تقلید می‌نماید، امری که تحت شعار مد و تعامل با دیگران و همگامی با تحولات زمان اتفاق می‌افتد»^۸.

چالش‌های اقتصادی

چالش‌های اقتصادی در ضعف بودجه تخصیص یافته به فعالیت فرهنگی و ضعف سرعت توسعه فرهنگی در مسائل مربوط به سرمایه گذاری فرهنگی در تونس بروز پیدا می‌کند و این مسئله بر امکان پرداختن جوانان به نقش فرهنگی‌شان در سایه این چالش‌ها و کاستی‌ها، تأثیر منفی می‌گذارد.

«مدت‌های مدیدی است که فرهنگ، سربار بودجه کشورها و دولت‌های در حال رشد و فقیر دانسته می‌شود و به همین دلیل، از مبلغ تخصیص یافته به آن کاسته می‌شود زیرا پیش از آنکه ارزیابی مجددی از آن داشته باشند و به عنوان یک رکن اصلی برای حمایت از گردش اقتصادی بدان بنگرند، آن را غیربازده و غیرضروری می‌دانند تا حدی که فرهنگ به یک عنصر بسیار مهم در رقابت‌های فرهنگی تبدیل شده است. باید توجه داشت که فرهنگ، در جذب فعالیت‌های تجاری و ایجاد فرصت‌های شغلی، سهمیم است. نقطه مشترک بین فرهنگ و اقتصاد اجتماعی، در نقشی است که این دو بخش در طرح همه جانبه سیاست کشور در حوزه اقتصادی بازی می‌کنند. ما نمی‌توانیم مسئله فرهنگی را از روند سیاسی و اقتصادی

کلی در کشور جدا کنیم. به این معنی که یک رابطه اصلی بین فرهنگ و رشد وجود دارد که مستلزم رعایت خصوصیات کشور و ایجاد پروژه‌های توسعه‌ای دارای ابعاد فرهنگی در عین پذیرش تنوع فرهنگی به عنوان عنصر غنابخش به این رابطه است. به دنبال این وضعیت، فرهنگ در تونس به عنوان یک محرک اصلی در توسعه اجتماعی و به طور کلی توسعه انسانی، شروع به معرفی خود کرده است، امری که ایجاب می‌کند در برنامه ریزی‌های توسعه‌ای، اهمیت و توجه بیشتری به بعد فرهنگی مبذول شود و همه پروژه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به مسئله فرهنگ گره بخورند، به این معنی که فاعل فرهنگی، می‌تواند نقش هدایتگر یا مشاور را در حوزه‌های مختلف تولیدی، سرمایه‌گذاری، صنعتی و حتی در پروژه‌های گردشگری و معماری و تربیتی ایفا کند، به ویژه اینکه در تعریف صنایع نوآورانه، گفته می‌شود که این صنایع، "صنایعی هستند که از فرهنگ به عنوان داده و ورودی استفاده می‌کنند و دارای یک بعد فرهنگی هستند، هرچند که خروجی آن، کاملاً کارکردگراست". در صنایع نوآورانه، فرهنگ، فرایند تولید کالاهای ابتکاری را تغذیه می‌کند و انتظار می‌رود که این امر، به توانمندسازی نهاد فرهنگی و توسعه روش‌های عمل آن و نیز تهیه ساختارهای آن کمک کند تا بتواند به وظیفه‌اش عمل و نیازهای خود را در چارچوب یک رویکرد دقیق آینده‌نگرانه، کنترل نماید. وقتی درباره نهاد فرهنگ صحبت می‌کنیم، منظور ما یک دستگاه یا اداره مرکزی یا منطقه‌ای مشخص نیست. این عبارت، اهداف، برنامه‌ها و کارکرد خود را دارد که بر تنظیم دیدارها و جشنواره‌ها و نمایش‌های تئاتر و سینمایی و پرداختن به مسائل حوزه کتاب، میراث و دیگر موضوعات مبنی است. ما در اصل، درباره راهبردهای فرهنگی عمومی سخن می‌گوئیم که ساختارهای اقتصادی و تولیدی در سایه آنها عمل می‌کنند. بر اساس آنچه که گفته شد، مسئولیت توسعه راهبردهای فرهنگی، بین سه عامل مشترک است: عامل اقتصادی، عامل سیاسی و عامل فرهنگی. بر این اساس، فرهنگ، به نقطه حرکتی تبدیل شده است که حرکت از سطح نظری به سطح عملی و کاربردی از آن آغاز می‌شود.^۹ شاخص‌های فراوانی وجود دارد که می‌تواند به مشخص کردن راهبردهای فرهنگی در تونس کمک کند که شاید مهمترین آنها، تشویق به سرمایه‌گذاری در حوزه تولید فرهنگی و صنایع فرهنگی است، امری که هم از اولویت برخوردار است و هم از کمک‌های قانونی و مالی در روند فعالیت وزارتخانه و سیاست فرهنگی دولت استفاده می‌کند، اما بدون تحقق اهداف مورد نظر و بدون اینکه جوانان به عنوان عامل و موتور اصلی این سرمایه‌گذاری جذب شوند. این خود چند دلیل دارد که مهمترین آنها این است که تدوین سیاست توسعه اقتصادی در تونس، به چندین عنصر قوام‌بخش بین‌المللی نیازمند است، ضمن اینکه اجرای آن نیز با ابزارهایی انجام می‌شود که تاکنون در همگامی با آنچه که به عنوان سرمایه‌گذاری فرهنگی به عنوان مفهومی جدید خوانده می‌شود که به اقدامات جوانان ارزش و اولویت می‌بخشد، موفقیتی نداشته است.

صنعت فرهنگ و تولید فرهنگی و تأسیس مؤسسات فرهنگی در تونس، مواردی هستند که باید طرح‌های جدیدی برایشان تدوین شود که همگان، بدون استثناء برای تثبیت آن فعالیت کنند، به ویژه اگر بپذیریم که سنجش کارآمدی مؤسسات فرهنگی در تونس، با سطح ارتباطش با فعالیت‌های تربیتی و قدرت آن در تولید عمل فرهنگی توسعه‌ای که بتواند به جامعه خدمت برساند، مرتبط است. چنین روشی بدین معنی نیست که اهداف اقتصادی در حرکت به سمت توسعه پایدار فرهنگی، از اهداف فرهنگی سبقت دارند.

۹. سرمایه‌گذاری فرهنگی در تونس و گزینه‌های توسعه جایگزین، دکتر منذر عافی، روزنامه الشروق، ۰۱-۰۴-۲۰۱۹

در واقع، برای استمرار در توسعه همه صنایع فرهنگی، باید توسعه فعالیت فنی اصلی که یکی از پایه‌های اصلی مورد اتکای همه صنایع دیگر است، تقویت شود. می‌توان این برهان را به واسطه تعریف صنایع فرهنگی به عنوان یک زنجیره از "دایره‌های متحد‌المرکز" که دور عناصر اصلی تولید اول هنری و فرهنگی شکل گرفته، تقویت کرد. این الگو، نیاز به یک فضای درمانی و شکوفا را برای نوآوران و سازمان‌های فرهنگی به منظور تقویت بیشتر عملیات‌های تجاری در بخش فرهنگی، نشان می‌دهد. به واسطه درپیش گرفتن سیاست حمایت از هنر و میراث، می‌توان سلامت اصلی تولید و مصرف هنری و فرهنگی را حفظ و همکاری همه مؤسسات فرهنگی را تقویت کرد. توسعه پایدار، نتیجه یک نسخه درمانی یا یک ابزار واحد نیست، بلکه نتیجه مجموعه تدابیری خواهد بود که عناصر مختلف آن در تونس از اهمیت برخوردارند. در نتیجه، نباید تدوین سیاست‌های فرهنگی یا تربیتی، وظیفه یک وزارتخانه باشد و به همکاری بسیاری از ساختارها، آژانس‌ها و سازمان‌های دولتی ذی‌ربط به توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیاز دارد. شناخت امکانات اقتصادی صنایع فرهنگی، ابزار مناسبی برای وارد کردن فرهنگ به دستورکارهای گسترده‌تر در حوزه توسعه اقتصادی به شمار می‌رود. در عین حال، لازم است اهمیت سیاست در محقق ساختن سودهای فرهنگی و اقتصادی نیز شناخته شود و این امر، مستلزم آن است که تمایز آشکاری بین ارزش اقتصادی و ارزش فرهنگی در تولیدات حوزه فرهنگی در نظر گرفته شود.^{۱۰}

چالش‌های سیاسی

سیاست کشورها در حوزه فرهنگی، مقیاسی است که دو راهبرد توسعه فرهنگی بر آن بنا می‌شود. هر چقدر که این سیاست با چشم‌اندازهای فعالان حوزه فرهنگی منسجم‌تر باشد، کشور و به عبارت دیگر نهادهای کشور در تثبیت یک چشم‌انداز اجتماعی، اقتصادی و قانونی منسجم، به ویژه در رابطه با نقشی که جوانان در این منظومه فرهنگی ایفا می‌کنند، موفق‌تر عمل خواهد کرد. اما با وجود اینکه روش حرکت کشور بعد از انقلاب ۱۴ ژانویه ۲۰۱۱ تغییر کرده است، و با وجود قانونی شدن حقوق فرهنگی و اشاره مستقیم به آن در فصل ۴۲ از قانون اساسی که حق فرهنگی و آزادی نوآوری را تضمین شده خوانده و اینکه حکومت، به نوآوری فرهنگی تشویق و از فرهنگ ملی و ریشه، تنوع و تجدید آن حمایت می‌کند که باعث تقویت ارزش‌هایی چون رواداری و طرد خشونت و همچنین گشایش در برابر فرهنگ‌های مختلف و گفتگوی بین تمدن‌ها می‌شود، اما باز هم این امر مانع از ایجاد چالش‌های جدیدی که بعد از حرکت بر اساس سیاست آزادی و گشایش فرهنگی، به وجود آمده است، نشد. کشور از میراث فرهنگی دفاع و حق نسل‌های آینده را در آن تضمین می‌کند، به طوری که سیاست‌های جاری، تأثیر گسترده‌ای بر مسئله فرهنگ و تمامی فعالیت‌های مربوط به حوزه فرهنگ دارد و از یک سو، مرکزیت تصمیم‌گیری و از سوی دیگر وخامت پدیده هواداری بر اساس وابستگی‌های سیاسی، به عنوان چالش‌های جدی پیش روی جوانان تونسی بوده و هست، به ویژه اینکه این جوانان از این اقدامات که در زمان حکومت بن علی وجود داشت و بعد از انقلاب نیز ادامه پیدا کرد، به تنگ آمده بودند و با وجود گسترش تفکر سلفی و حکمرانی اسلام سیاسی در کشور در چارچوبی که حکومت، نقش مرکزی را در آن ایفا و به واسطه آن مدیریت حوزه فرهنگی را به انحصار خود در آورده، این چالش خطرناک‌تر شده است.

«حکومت فرهنگی در تونس، به روش فرانسه ایجاد شد و این پروژه در چارچوب تاریخی مشخصی رشد کرد که به مشخص کردن نشانه‌های ملت تونس در چارچوب یک کشور استقلال یافته، توجه داشت. این پروژه توانست نیازهای پروژه‌ای را تأمین کند که گاهی سوسیالیستی - اشتراکی و گاهی لیبرالیستی (سرمایه داری کنترل شده) بود که ویژگی برجسته آن، روزآمد سازی و فاصله گرفتن از رسوب‌های تقلید بود. مقرر گردید که تثبیت این پروژه بر مبنای سیستم‌های تصمیم‌گیری افقی و سلطه دستگاه‌های مرکزی انجام شود. اما به نظر می‌رسد به دلیل از بین رفتن مشروعیت‌های سیاسی و فرهنگی و ضعیف شدن آن در برابر طرح‌های جدیدی که شرایط کنونی آن را دیکته کرد، ایفای نقش حکومت در قالب بسته‌ای از برنامه‌ها و مجموعه‌ای از مؤسسات، با مشکلات بسیاری مواجه شده است. حوزه فرهنگی، موضوع یک نبرد ساختاری و تجدید شونده برای مشخص کردن نمایندگی‌های نافذ و دیکته آن به شمار می‌رود. حتی پس از انقلاب، با وجود انتظارات متعددی که فروپاشی سریع نظام زین العابدین بن علی در نزد فعالان حوزه فرهنگ ایجاد کرد که شاید مهمترین آنها این باشد که سقوط نظام‌های توتالیتریستی (تمامیت خواه) به بروز اصطلاحات هنری و فرهنگی انقلابی منجر می‌شود که در حوزه بیانی و تشکیلاتی از گذشته خود جدا می‌شود، اما باز هم این چالش‌ها به قوت خود باقی ماندند و حتی برخی، این سخن را پذیرفتند که انقلاب، یک بار دیگر فرهیختگان و هنرمندان، به ویژه جوانانی را باز می‌گرداند که نظام سابق تلاش کرد تا آنها را به حاشیه براند. به واسطه این آغازگاه‌هاست که می‌توان دو پدیده مهم را تفسیر کرد. پدیده نخست، به شدت برخورد بین نسل‌ها، یعنی بین جوانان و تازه واردان به حوزه فعالیت‌های فرهنگی از یک سو و قدیمی‌هایی که در چارچوب گفتمان‌های مذهبی، پاداش‌ها و هدایای کشور را از آن خود کردند، مربوط می‌شود. ویژگی مرحله انتقالی نخست (ژانویه الی اکتبر ۲۰۱۱)، شدت این کشمکش است در حالی که مرحله انتقالی دوم (در سایه وجود دولت ترویکا) به مطالبات اصلاح ساختاری و از بین بردن الگوی پیشین معروف است. اما پدیده دوم، کشمکش سیاسی بر سر مشخص کردن حاشیه آزادی بیان در مرحله انتقالی دوم است. در مرحله سوم نیز که با آغاز به کار دولت انتقالی متشکل از تکنوکرات‌ها آغاز شد و با دولت پس از نخستین انتخابات پارلمانی ادامه پیدا کرد، این کشمکش متوقف نشد، هرچند که در عین وجود برنامه‌های اصلاحگرانه و اراده مسئولانی که با دشواری‌ها و مشکلات ناشی از مرحله انتقالی مواجه شدند و نتوانستند بر پیشبرد یک سیاست واضح و یکپارچه تمرکز کنند، تردیدهایی نیز ایجاد شده بود. همه دخالت‌ها، شکل اداری به خود گرفت و به طور خاص، روی تکمیل پروژه‌های بر زمین مانده کار شد و بدین شکل، الگوی آینده نگری و طرحی که باید قدرت تعریف مفاهیم را به حکومت باز می‌گرداند، از بین رفت.

امروز، به نظر می‌رسد که همگان، ولو در سطوح متفاوت، اتفاق نظر دارند که جنبش انقلابی، از نظر زیبایی شناختی، تغییری در اشکال و محتوا ایجاد نکرد، چرا که برخوردها و کشمکش‌ها، عمدتاً بر هدف قرار دادن و نابود کردن موقعیت‌های تأثیرگذار متمرکز بود. اما در مقابل، پیشنهادها در این رابطه بسیار اندک و برنامه‌ها، خسته کننده بودند و در طرح‌ها و سطح نمایندگی‌ها، اختلاف وجود داشت. این اختلافات در بحث درباره مسئله "مقدس" و حدود آزادی‌های هنری، به اوج خود رسید، امری که نشان می‌دهد کشمکش‌های فرهنگی چیزی جز برخورد درباره مشخص کردن مشروعیت‌های جدید

و طرح‌های ناظر به ساختار بندی این حوزه نیست، چرا که خیلی زود، اختلافات سیاسی بدان نفوذ کرد.^{۱۱} همه آنچه که در بالا ذکر آن رفت، به خوبی ارتباط فرهنگ با همه اجزای تشکیل دهنده منظومه سیاسی کشور و همه گروه‌های سیاسی را نشان می‌دهد، امری که بر نقش فرهنگی جوانان تونس و تشدید کشمکش بین نسل‌ها درباره نگاه به حفظ میراث فرهنگی و هویت ملی در برابر استقبال از فرهنگ‌های دیگر و مرزهای این استقبال و درباره مفهوم هویت فرهنگی و مقدسات، بازتاب منفی گذاشت.

محور دوم: فرصت‌های پیش روی جوانان تونس برای انجام نقش فرهنگی‌شان

در این بخش، درباره امکاناتی که در اختیار جوانان وجود دارد تا بتوانند به فعالیت‌های فرهنگی مختلف دست بزنند و عملاً برای ایفای نقش خود وارد منظومه فرهنگی جامعه تونس شوند، سخن می‌گوئیم. اگر ما در این فرصت‌ها به بررسی بپردازیم، در می‌یابیم که در مقایسه با حجم میراث فرهنگی تونس و نسبت گروه‌های سنی جوانان، این فرصت‌ها بسیار اندک است و این، امری است که ما را در برابر یک خلأ فکری و ورشکستگی فرهنگی قرار می‌دهد. با مراجعه به منابع مختلفی که به این موضوع پرداختند که تقریباً یافت نمی‌شوند، در می‌یابیم که فرصت‌هایی که به جوانان کمک و آنها را برای ادای نقش فرهنگی‌شان در داخل جامعه یاری می‌کنند، به دو نوع تقسیم می‌شوند: نخست، فرصت‌های داخلی یا ملی هستند که حکومت، از طریق وزارت جوانان و ورزش و ادغام آنها در مشاغل مربوطه و وزارت امور فرهنگی و تمامی ادارات مرکزی و ساختارهای منطقه‌ای و مؤسسات دولتی وابسته به آن از یک سو و مؤسسات فرهنگی خصوصی از طرف دیگر، به وجود می‌آورد و نوع دوم، فرصت‌هایی است که طرف‌های خارجی، یعنی بیگانه، در چارچوب همکاری یا شراکت با حکومت یا به صورت مستقل و به شکل انجمن‌ها، سازمان‌ها و شبکه‌های بین‌المللی که در حوزه فعالیت فرهنگی، به ویژه حمایت از برنامه‌های فرهنگی جوانان تونس فعالیت می‌کنند، به وجود می‌آورند.

در واقع و با گذشت مراحل زمانی یکی پس از دیگری، اطمینان می‌یابیم که کشور، با همه سازوکارهای فرهنگی و برنامه‌های راهبردی خود، نتوانست نیاز امروز جوان تونس را برای ورود به فعالیت فرهنگی به گونه‌ای برآورد که بتواند خواسته‌هایش را محقق سازد. بنابراین جوانان تونس یا از انجام اقدام، تفکر، ابتکار و نوآوری ناتوان هستند و یا اینکه اراده مبتکرانه‌شان، از سقف امکانات مادی کشور فراتر رفت و آن را پشت سر گذاشت. در اینجا، جوان کاری جز اینکه به مؤسسات خصوصی مراجعه کند، نمی‌تواند انجام دهد که آن مؤسسات نیز به نوبه خود با مشکلات فراوانی مواجهند و در نتیجه، بیشتر جوانان هرگز نخواهند توانست تا نقش فرهنگی خود را در حوزه‌های مختلف، به اجرا بگذارند و همین امر، به ایجاد یک پایگاه فرهنگی خارجی برای جوانان امروز تونس انجامید. در سال‌های اخیر، یعنی بعد از انقلاب ژانویه ۲۰۱۱، جوانان تونس یک پایگاه اجتماعی جدید و افق‌های فکری گسترده‌ای را یافتند که از همه آنچه که سنتی و قدیمی است، فراتر است و یک ایده فرهنگی جدید را بنا گذاشتند که بیشتر رویکردهای آن غربی است. به ویژه اینکه پیشنهادات مربوط

۱۱. "حوزه فرهنگی، از انقلاب تا جمهوری دوم: چه سرنوشتی در انتظار کشور فرهنگی است؟"، طارق بن شعبان، انتشارات مؤسسه اقدام برای

به تأمین مالی فعالیت‌های فرهنگی جوانان، رقابت برای حرکت به سمت غرب و مدرنیسم برای بیشتر گروه‌های جوانان که به فعالیت‌های فرهنگی در جامعه تونس توجه دارند را به امری بدیهی تبدیل کرد.

از مهمترین مثال‌هایی که می‌توانیم به عنوان نمونه مطرح کنیم و این رویکرد جدید را از آن بفهمیم، مقایسه بین تولیدات فرهنگی جوانان در گذشته نزدیک و حضور جوانان تونس در میدان فرهنگی و تولیدات امروز آنها در حوزه‌های مختلف فرهنگی، مادی و معنوی است و آنگاه است که میزان تأثیرپذیری آنها از فرهنگ غربی و خروجشان از هویت فرهنگی ملی را مشاهده خواهیم کرد، به ویژه اینکه تونس، بعد از انقلاب، راه دیپلماسی فرهنگی و شراکت دوجانبه با بسیاری از کشورها را برای انتشار و گسترش تولیدات فرهنگی خوب خود در پیش گرفته است. بر همین اساس، این کشور یک شهر فرهنگی افتتاح و "مرکز بین‌المللی اقتصاد فرهنگی دیجیتال تونس" وابسته به وزارت امور فرهنگی که ساختمانش در این شهر فرهنگی مستقر است، تأسیس گردید. این مرکز، آزمایشگاه‌های پژوهشی، تجارب، حمایت، انتشار مطالعات و اقدامات مبتکرانه را در حوزه فرهنگی، در اختیار علاقمندان قرار می‌دهد و پایگاهی برای پروژه‌های مبتکرانه و مراکز نشر فعال در حوزه فرهنگ است. این مرکز، یک مرکز فنی برای توسعه فرهنگ و فناوری‌های جدید و امکانی برای آموزش توسعه فرهنگ با استفاده از فناوری است^{۱۲} و دستاورد خوبی در حوزه فرهنگی به شمار می‌رود که می‌تواند از فرصت‌های برآمده از جهانی شدن فرهنگی که در اختیار جوانان تونس قرار می‌گیرد، بهره‌برداری کند. پروژه "تفنن"، از مهمترین پروژه‌ها و فرصت‌هایی است که در برابر جوانان تونس قرار دارد. این پروژه که اتحادیه اروپا با شراکت "کانون‌های فرهنگی ملی اتحادیه اروپا" و با کمک‌های مرکز فرهنگی انگلستان پشت آن قرار دارد، به واسطه ایجاد امکان برخورداری از حمایت‌های مالی برای پروژه‌هایی که به دنبال انجام یک فعالیت فرهنگی جدید هستند و به واسطه حمایت از ورود به حوزه فرهنگی در سازمان‌های مختلف تونس، فرصتی را در اختیار جوانان تونس قرار می‌دهد.

پایان

متغیرهایی مانند گشایش اقتصادی، اجتماعی و رسانه‌ای و ظهور جهانی شدن با تمامی اشکال، ابعاد و اهدافش و حمله به مفاهیم و ارزش‌های اخلاقی و فکری که ابتدا بر روابط میان کشورها و سپس بر روابط کشورها با ملت‌هایشان حکم می‌رانند، و پس از آن ظهور تفکرهای جدید در جهان امروز، زائیده اندیشه‌های عربی نیست و معیارهای اخلاقی نیز بر آن حکم نمی‌رانند، بلکه هدف آن، از بین بردن منافع و اهداف راهبردی کشورهای مولد این اندیشه و سازنده آن است و در مقابل، کشور هدف، با همه سازمان‌ها، نهادها و سازمان‌های مردم‌نهادش باید با همه توان، روی تدوین یک چشم‌انداز مشترک که با شرایط و واقعیت اجتماعی ما و اخلاقیات، رفتارها و ارزش‌های جامعه همخوانی داشته باشد، آن هم بدون اینکه واقعیت‌های متغیرهای جهانی نادیده گرفته شود، کار کند و این دیدگاه، باید با نگاه ایمن‌سازی جامعه و تقویت بافت اخلاقی و اجتماعی آن و در نتیجه، بافت فرهنگی و اقتصادی و دور ساختن آن از آسیب و بحران‌هایی که اگر پیش آید، قبل از هر چیز، بنیان اخلاقی و منظومه رفتاری جامعه را مورد اصابت قرار می‌دهد، شکل بگیرد.^{۱۳} به همین دلیل،

۱۲. پایگاه رسمی مرکز بین‌المللی اقتصاد فرهنگی دیجیتال تونس

۱۳. میراث ملی ما... چه چیز از آن را برداریم و چه چیزی را رها کنیم؟، علی محمد المطروشی، روزنامه الکترونیکی البیان، ۶ می ۲۰۱۴

حوزه فرهنگ، پایه خیزش ملت‌های آگاه به شمار می‌رود و این جوانان هستند که حامی اصلی فرهنگ و هویت آن در برابر قدرت متغیرها و کثرت چالش‌های داخلی و خارجی در عصر جهانی شدن هستند، اما باید آن تفاوت‌های تاریخی که این میراث در سایه آن به وجود آمد را نیز مورد توجه قرار دهیم و دست به یک عملیات گزینشی بزنیم به صورتی که با خواسته‌های جوانان و اقتضات زمانه از یک طرف و اصل حفظ هویت فرهنگی از دیگر سو، همخوانی داشته باشد. در برابر این چالش‌ها و چالش‌های دیگر، باید بتوانیم بین قدرت میراث و قدرت تجدید جمع کنیم و به عبارت دیگر با آنچه از میراث گذشتگان که می‌توان امروز به اجرا گذاشت، باور داشته باشیم که دیروز، با امروز تفاوت دارد.

تونس امروز برای حفظ هویت ملی و در سایه ترکیب پیچیده جمعیتی و شرایطی که همراهی با توسعه تمدنی و تغییرات اجتماعی متوالی را بر آن تحمیل می‌کند، چالش‌های رو به رشدی را پشت سر می‌گذارد و به دلیل وجود این چالش‌ها، برای حفظ این هویت ملی، هیچ راهی جز تلاش مجدانه برای حفظ میراث مردمی و نفوذ دادن آن به عمق جان جوانان برای اینکه بخشی از زندگی روزمره‌شان شود، وجود ندارد. نکته مهم‌تر این است که برخی چالش‌های خارجی که توسط کشورها، ملت‌ها و موجودیت‌های کوچک و نوظهور، در مسیر جامعه ایجاد می‌شود که هدف از آن، از بین بردن اقتصاد و به زانو درآوردن بازارهای تونس و مرتبط ساختن آن به اقتصادها و بازارهای آن کشورهاست که تلاش می‌کنند تا اهداف خود را به واسطه از بین بردن زیرساخت‌های اخلاقی و فرهنگی جوامع و کشورهای هدف و از بین بردن منظومه‌های اخلاقی و رفتاری‌ای که از یک سو مردم آن کشورها را به یکدیگر و از سوی دیگر این مردم را به کشورها یا وطن‌هایشان مرتبط می‌گرداند، محقق سازند. این وضعیت، ضامن نفوذ در بافت اقتصادی جامعه است، هرچند که ما نمی‌توانیم منکر آن شویم که جهان امروز به یک دهکده جهانی تبدیل شده که سرعت تغییر و تأثیرپذیری از یکدیگر در آن بسیار بالاست. با این حال، آشنایی با طبیعت چالش‌هایی که نسل جوان ما با آن مواجه است، شناخت کاملی از شرایط کنونی و اینکه چطور به سمت آینده حرکت کنیم را در اختیار ما قرار می‌دهد و به ما می‌گوید که اگر بتوانیم جوانان را به سلاح هوشیاری و دانش و فرهنگ کافی برای مقابله با این چالش‌ها مسلح کنیم، پدیده جهانی شدن، چه بارهایی را در مسیر حرکت به سمت جوانان که باعث ایمنی امت ما هستند، بر ما تحمیل می‌کند؟ یکی از پژوهشگران درباره این مسئله گفته بود: "می‌توانیم بگوئیم که نسل جوان، به سلاح جهان عرب در نبرد سرنوشت‌ساز خود برای خروج از غارهای تاریک و ساختن آینده‌ای بهتر، تبدیل شده است و این علاوه بر آن است که این جوانان، صاحب این آینده هستند. اما شرایطی که جهان عرب را در یک نقطه عطف قاطع در تاریخش قرار می‌دهد، همان است که جوانان را در یک بحران واقع می‌سازد. جوانان منبع امید و در عین حال، منبع خطرند" و آنها در این بحرانی که زندگی آنها را سرشار از تناقض‌ها می‌سازد، زندگی ایده‌آلی را تجربه می‌کنند، هرچند که این زندگی، در واقعیت امر، به حاشیه رانده شده است و در این مسیر، رسانه بزرگترین نقش را در تأثیرگذاری بر جوانان دارد، به طوری که تأثیر آن، گاهی از تأثیر خانواده و دانشگاه فراتر می‌رود. جوامع غربی، فرهنگ‌ها، ارزش‌ها و سبک‌های رفتاری خود را که با فرهنگ‌های کشورهای هم‌چون تونس در تعارض قرار دارند، تبلیغ می‌کنند اما این فرهنگ‌ها و ارزش‌ها، ویژگی‌های فرهنگی و تمدنی کشورها را به واسطه تبعات جهانی شدن و فناوری، در یک حالت وابستگی فرهنگی به سر می‌برند، تهدید می‌کنند و از آنجا که آن فرهنگ دیگر، فرهنگ مصرف‌گراست، جوانان جامعه را در برابر چالش‌های حفظ هویت فرهنگی خویش قرار می‌دهد تا تلاش کنند بفهمند که ثابت و متغیر کدام است. شاید این

چالش‌های مربوط به هویت فرهنگی، ذهن بسیاری از متفکران و پژوهشگران را به خود مشغول کرده باشد، زیرا این مسئله از مدت‌ها قبل مطرح شده، اما امروز تحت تأثیر یک عامل قدرتمند بروز کرده است که جوامع و کشورها راهی جز تأثیر پذیرفتن از آن ندارند و آن عامل، انقلاب جهانی شدن است.^{۱۴}

منابع:

- [۱] پایگاه رسمی سازمان ملل متحد
- [۲] پایگاه رسمی سازمان یونسکو (اعلامیه مکزیک در سال ۱۹۸۲)
- [۳] فرهنگ و مفهوم، ویژگی‌ها و عناصر آن، طارق عبدالرئوف عامر، پایگاه علمی و تربیتی آفاق، ۲۶ ژانویه ۲۰۱۱
- [۴] دایرة المعارف آزاد ویکی‌پدیا
- [۵] مفهوم میراث مردمی و اشکالات آن در جهان متغیر، د. اسعد فایزه زرهونی، دانشگاه مستغانم الجزایر، نشریه گفتگوی تمدن‌ها و تنوع فرهنگی و فلسفه صلح، ۲۰۱۴
- [۶] بعد فرهنگی جهانی شدن و تأثیر آن بر هویت فرهنگی جوانان عربی: مطالعه موردی دانشجویان الجزایری، وارم العید، دانشگاه البشیر الإبراهیمی - برج بوعریبج - الجزائر - نشر مرکز نسل پژوهش علمی.
- [۷] سرمایه گذاری فرهنگی در تونس و گزینه‌های رشد جایگزین، د. منذر عافی، روزنامه الشروق، ۱ آوریل ۲۰۱۹
- [۸] حوزه فرهنگی، از انقلاب تا جمهوری دوم: چه سرنوشتی در انتظار کشور فرهنگی است؟، طارق بن شعبان، انتشارات مؤسسه اقدام برای اصلاح عربی، ۲۰۱۸/۰۸/۲۳
- [۹] پایگاه رسمی مرکز بین‌المللی اقتصاد فرهنگی دیجیتال تونس
- [۱۰] میراث ملی ما... چه چیز از آن را برداریم و چه چیزی را رها کنیم؟، علی محمد المطروشی، روزنامه الکترونیکی البیان، ۶ می ۲۰۱۴
- [۱۱] بعد فرهنگی جهانی شدن و تأثیر آن بر هویت فرهنگی جوانان عربی: مطالعه موردی دانشجویان الجزایری، وارم العید، این مقاله در دومین شماره از مجله "نسل علوم انسانی و اجتماعی"، ص ۹ منتشر شد

۱۴. بعد فرهنگی جهانی شدن و تأثیر آن بر هویت فرهنگی جوانان عربی: مطالعه موردی دانشجویان الجزایری، وارم العید، این مقاله در دومین شماره از مجله "نسل علوم انسانی و اجتماعی"، ص ۹ منتشر شد.